

**درس ششم** ﴿ مردان مبارز و زنان فخرمات ﴾

درسنامه: آمادگی دفاعی: پایه نهم: درس ششم: مردان مبارز و زنان فخرمات

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند. فرازی از وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی

**مردان مبارز**

## آمادگی دفاعی متوسطه اول

در طول تاریخ بشر، انسان های موحد بسیاری بوده اند که تعدادی از آنها به دلیل شرایط حاکم بر جامعه خود، یکتاپرستی خویش را به کلی پنهان می کردند و تعدادی نیز، که معمولاً در اقلیت بودند، سعی می کردند تا پرستش خدای یگانه را در میان خویشان و اطرافیان خود تبلیغ کنند. آنها برای تبلیغ اعتقاداتشان گاهی جان خود را نیز ایثار می کردند، اما حاضر نبودند از اعتقادات خود دست بردارند.

با ظهور حضرت محمد پیامبر اسلام و آخرین فرستاده الهی، دوران دیگری از مبارزه با ظلم و جهل و بت پرستی و تبلیغ پرستش خداوند یکتا آغاز شد. اصحاب و پیروان آن حضرت نیز به تناسب شرایط و موقعیتشان سعی می کردند تا با حرکت در این مسیر الگوهای مناسبی برای سایر مردم باشند.

مردان تلاشگر، مبارز و میهن دوست در طول تاریخ کهن سرزمین ما کم نبوده اند؛ اما پس از استقبال از دین اسلام و پذیرش آن توسط مردم ایران، وجود مردانی که برای پیشرفت کشور، ترویج فرهنگ اسلامی و سربلندی مردم تلاش می کردند، شدت و قوت بیشتری یافت. این مردان از میان تمام اقشار مردم بوده اند و هدفشان سعادت مندی ملت ایران بوده است.

در دوران معاصر روحانیان، عالمان و دانشمندان، شاعران و نویسندگان، مجاهدان و آزادی خواهان، سربازان میهن و ... در این مجموعه حضور داشته اند. بزرگ مردانی چون میرزای شیرازی، سیدجمال الدین اسدآبادی، ستارخان، باقرخان، امیرکبیر و ... نام هایی هستند که همگی برای آبادانی و سرافرازی میهن، گسترش دین و عدالت، رهایی کشور از مستبدان داخلی و استقلال ایران در مقابل نفوذ و دخالت بیگانگان تلاش فراوان کرده اند.

در دوران ستم شاهی نیز انسان های آزاده ای که در مقابل دین ستیزی و ظلم و ستم حاکمان پهلوی ایستادند، بسیار بوده اند. آنها رنج و سختی دوران مبارزه، زندان، شکنجه و شهادت در راه خدا را انتخاب کردند تا ثابت کنند که دین خواهی مردم و حفظ استقلال ایران اسلامی چراغ روشنی است که هرگز خاموش نخواهد شد. شهید نواب صفوی، شهید سیدعلی اندرزگو، شهید رجایی و ... از این دسته مردان مؤمن و مبارز میهن ما هستند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در دورانی که کشور ما مورد تهاجم و حشियانه دشمن قرار گرفت، همه مردم در مقابل این هجوم صدام ایستادند تا دین و استقلال کشور ما پابرجا بماند. از میان شهیدان دفاع مقدس، چند نفر را به عنوان نمونه انتخاب کرده ایم و در این درس به کمک شما دانش آموزان عزیز معرفی می کنیم تا زندگی و مبارزات آنها الگوی همه جوانان ما قرار گیرد.

## زنان قهرمان

مادران شجاع فرزندان اسلام، خاطره جانبازی و رشادت زنان قهرمان را در طول تاریخ زنده کرده اند. «امام خمینی»

یکی از وظایف مهم و اساسی زنان، تربیت فرزندان است که زنان و مردان آینده جامعه را تشکیل می دهند. در واقع تمام کسانی که در هدایت و راهنمایی سایر انسان ها و رشد و پیشرفت کشورشان نقش داشته و ایثارگری کرده اند، تربیت شدگان دامان مادران دلسوز و پاک دامن بوده اند. در عصر حاضر، برخی از زنان علاوه بر اینکه در خانه به عنوان همسر و مادر نقش اساسی در رشد خانواده و تربیت فرزندان دارند، در جامعه نیز همپای مردان مشغول فعالیت اند. در طول تاریخ کم نبوده اند زنانی که در شرایط سخت، با تدبیر خود، باعث تحولی بزرگ در جامعه خود شده اند.

## زنان در دفاع مقدس نقش اساسی داشته و از راه های مختلف در دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی مشارکت کرده اند:

۱- پشتیبانی جنگ (رساندن وسایل و ادوات جنگی به رزمندگان، رساندن آب و مواد غذایی به رزمندگان)

۲- بهداشت و درمان، درمان مجروحان جنگ و انتقال آنها به پشت جبهه و مراقبت از آنها، تهیه و تدارک دارو، لباس و سایر امکانات

۳- حضور مستقیم در صحنه نبرد

۴- حمایت از ایثارگران

در دوران معاصر زنان مؤمن و شجاعی بودند که علاوه بر تربیت فرزندان صالح و باتقوا، دفاع از اعتقادات دینی و حفظ و گسترش آن را در جامعه و وظیفه خود می دانستند.

یکی از این زنان با ایمان و مبارز که پس از چند سال تحمل سختی و شکنجه در زندان های رژیم شاه، به خارج از ایران رفت و در اردوگاه های نظامی فلسطین به چریکی تمام عیار تبدیل شد، **خانم مرحومه مرضیه حدیدچی (دباغ)** است. خانم دباغ با وجود هشت فرزند، با توجه به احتمال دستگیری مجدد و اعدام توسط رژیم ستمگر شاه، به زندگی مبارزاتی سخت خود ادامه داد.

## زنان قهرمان در دوران دفاع مقدس

## آمادگی دفاعی متوسطه اول

در دفاع مقدس، زنان با ایمان و شجاع ایرانی، از ابتدای تهاجم ارتش بعثی عراق به کشورمان، در کنار مردان و در مقابل دشمن ایستادگی و مقاومت کردند و پس از آن نیز در پشت جبهه کارهایی انجام می دادند که اگر ارزش و پاداش آن نزد خداوند از دفاع مستقیم بیشتر نباشد، کمتر نخواهد بود.

زنان علاوه بر اینکه در پشت جبهه می توانند در دفاع از کشورشان نقش مؤثری داشته باشند، در خانه نیز همسر، خواهر و مادر مردان، و در جامعه خویشاوند، همکار، همسایه و ... آنها هستند. زنان با صبر و استقامت در مقابل سختی های جنگ و تشویق مردان به دفاع از کشورشان، انگیزه های مقاومت عمومی را در جامعه تقویت می کنند.

### سیده زهرا حسینی، دختر رزمنده ساکن خرمشهر

یک دفعه دل به دریا زدم و گفتم: هرچه بادابادا! نهایتاً می گویند دختره دیوانه شده؛ خُب بگویند. چادرم را مرتب کردم. یک دفعه بلند شدم و لبه وانت ایستادم. شروع کردم به صحبت و گفتم: مردم اینا جوان های مظلوم خرمشهر هستند که به این روز افتادند. اینا به خاطر دفاع از ناموس و شرفشان، به خاطر دین و مملکتشان کشته شدند. سه روزه که به خاطر نبود آب و کفن، به خاطر بمباران هواپیما نتونستیم اینارو به خاک بسپاریم. سه روزه که بدن اینا مثل شهدای کربلا روی زمین زیر آفتاب مونده.

### شهید مریم فرهانیان

شهید مریم فرهانیان در ۲۴ دی ۱۳۴۲ در آبادان و در خانواده ای متوسط و مذهبی به دنیا آمد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همراه با برادرش مهدی در جلسات سیاسی، مذهبی و تظاهرات مردمی شرکت می کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۹ به عضویت بسیج درآمد و پس از گذراندن دوره های آموزش پرستاری و امدادگری در بیمارستان شرکت نفت امام خمینی آبادان، مشغول خدمت شد. او در حالی که هفده ساله بود، در بیمارستان به امدادگری و مداوای مجروحان جنگ تحمیلی می پرداخت.

یک بار در حالی که در بیمارستان مشغول خدمت بود، در اثر گلوله خمپاره دشمن مجروح شد و چند روزی را بر روی تخت بیمارستان گذراند. شهید فرهانیان برای مددکاری به خانواده شهدا و رسیدگی به وضعیت آنها به روستاها و مناطق اطراف آبادان می رفت و ضمن کمک به آنها، به کودکان روستایی قرآن آموزش می داد.

آبادان می رفت و ضمن کمک به آنها، به کودکان روستایی قرآن آموزش می داد. این دختر شجاع و با ایمان با وجود آنکه برادرش مهدی تنها ۲۳ روز پس از شروع جنگ تحمیلی به شهادت رسیده بود، در شهر آبادان حضور یافت و به مداوای مجروحان و خدمت به هم نوعان خود در مناطق آسیب دیده از جنگ پرداخت. خواهر مریم فرهانیان می گوید: «به ظاهر آراسته خیلی اهمیت می داد؛ اما سعی می کرد نوع پوشش و رفتارش به گونه ای باشد که باعث جلب توجه دیگران نشود».

مادر یک شهید از مریم فرهانیان می خواهد که پس از مرگ او در ۱۳ مرداد هر سال بر سر مزار فرزندش برود و برای آن شهید مراسم سالگرد بگیرد. سرانجام در ۱۳ مرداد سال ۱۳۶۳، در حالی که به همراه دو دوستش قصد انجام خواسته آن مادر شهید را داشته، در گلستان شهدای آبادان، مورد اصابت گلوله خمپاره ارتش صدام قرار می گیرد و روح بزرگش به شهدای اسلام می پیوندد. او در زمان شهادت تنها ۲۱ سال داشت. زندگی نامه شهید مریم فرهانیان در کتابی با عنوان «دختری کنار شط» چاپ و نشر شده است.

### آشنایی با شهدای نوجوان دوران دفاع مقدس

اقتشار مختلفی در جریان دفاع مقدس در جبهه های جنگ شرکت داشته اند. یکی از این اقتشار، دانش آموزان و نوجوانان میهن اسلامی بودند که حدود ۳۶۰۰۰ نفر از آنان جان خود را فدای اسلام و کشور کردند. در زیر زندگی دو نفر از دانش آموزان شهید به اختصار آمده است.

### بسیجی شهید مهرداد عزیزاللهی

دانش آموز شهید «مهرداد عزیزاللهی» در مهرماه ۱۳۴۶ در شهر اصفهان در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. در گردان تخریب به شهید مهرداد عزیزاللهی مهندس مین می گفتند و رادیوهای بیگانه از او به عنوان کوچک ترین ژنرال تخریب چی یاد می کردند. شبی از شب های دفاع مقدس، چهره معصومانه مهرداد بر روی صفحه تلویزیون ظاهر می شود. صحبت هایش اما به نوجوان نمی ماند. همچون مردان الهی سخن می گوید. امام خمینی

## آمادگی دفاعی متوسطه اول

هم آن شب مصاحبه او را از سیما، تماشا می کند و دستور می دهد تا این نوجوان را به محضر او ببرند. امام مهرداد را می بینند و بازوی او را بوسه می زنند و او هم دست امام را می بوسد. شهید «مهرداد عزیز اللهی» در سال ۱۳۶۵، در عملیات کربلای ۴ در جزیره «ام الرصاص» به شهادت رسید و جاودانه شد.

### شهید زینب کمایی

زینب (میترا) در هشتم خردادماه سال ۱۳۴۶ هنگام اذان مغرب در شهر آبادان به دنیا آمد. او قبل از انقلاب نه تنها نماز و روزه اش ترک نمی شد، بلکه در میان خانواده و دوستانش به رعایت حجاب مشهور بود. پس از پیروزی انقلاب، فعالیت های زینب به شکل مستمر آغاز شد. او علاوه بر شرکت در کلاس های مختلف عقیدتی، اخلاقی و دوره های آموزشی بسیج، در اکثر فعالیت های انجمن اسلامی مدرسه به طور فعال شرکت می کرد. زینب مبارزات وسیع خود را علیه بدحجابی و ضد انقلاب آغاز کرد.

با شروع جنگ تحمیلی به اصرار خانواده مجبور به ترک آبادان شد. در تابستان ۱۳۶۰ پدرش در شاهین شهر اصفهان خانه ای خرید و خانواده را به آنجا برد. در اسفندماه سال ۱۳۶۰ پدرش در شاهین شهر اصفهان خانه ای خرید و خانواده را به آنجا برد. در اسفندماه سال ۱۳۶۰ برای خواندن نماز مغرب و عشاء به مسجد رفت. آن نماز، آخرین نماز زینب ۱۵ ساله بود. وقتی از مسجد برمی گشت منافقان او را به شهادت رساندند. خانواده او بعد از دو روز جنازه اش را پیدا کردند. پیکر او را با ۳۶۰ شهید عملیات فتح المبین در گلستان شهدای اصفهان به خاک سپردند.